

شنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۴۰۱ • ۱۴۴۴ محرم ۲۱ • 20 Aug 2022



نگاهی به رسانه ها

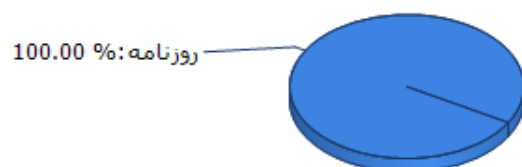
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه ها

تعداد کل محتوا : ۱۷



روزنامه

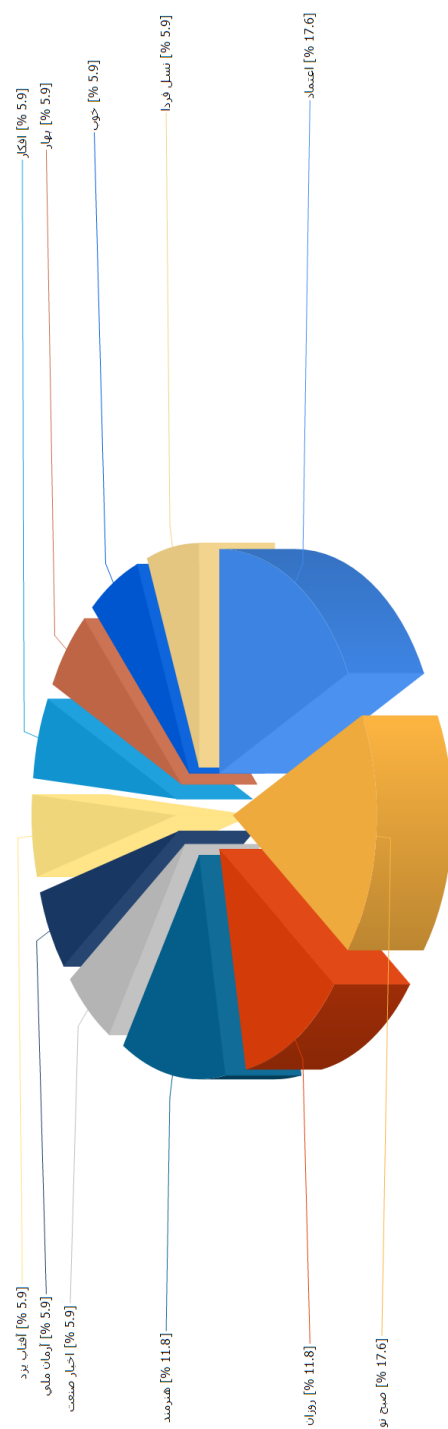
۱۷



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تاثیر در رسانه های مکتوب

ردیف	نام منبع	فراوانی	درصد فراوانی
۱	اعتماد	۳	۱۷/۶
۲	صبح نو	۳	۱۷/۶
۳	روزان	۲	۱۱/۸
۴	هنرمند	۲	۱۱/۸
۵	اخبار صنعت	۱	۵/۹
۶	آرمان ملی	۱	۵/۹
۷	آفتاب یزد	۱	۵/۹
۸	افکار	۱	۵/۹
۹	بهار	۱	۵/۹
۱۰	خوب	۱	۵/۹
۱۱	نسل فردا	۱	۵/۹
	جمع کل	۱۷	۱۰۰

نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	عطا... کوپال کارگردانی می کند	آرمان ملی
۸	آتیا پسیانی در «ولثانا»	آفتاب یزد
۹	تشکیل کمیته برای تصمیم گیری در رابطه با تئاتر شهر	اخبار صنعت
۱۰	انصراف محمد رضایی راد از اجرا در سالن دولتی	اعتماد
۱۱	ثبت رکورد ۱۰ توقیف در شش ماه	اعتماد
۱۲	مساله ضرورت یا انتخاب در میان است	اعتماد
۱۳	آتیا پسیانی با «ولثانا» روی صحنه می آید	افکار
۱۴	آتیا پسیانی با «ولثانا» روی صحنه می آید	بهار
۱۵	آتیا پسیانی با «ولثانا» روی صحنه می آید	خوب
۱۶	مجموعه نمایشنامه های خسرو بامداد منتشر خواهد شد	روزان
۱۷	مصدق، یکی از محبوب ترین سیاستمداران است	روزان
۱۸	آتیا پسیانی با «ولثانا» روی صحنه می آید	صبح نو
۱۹	نگاه «صبح نو» به نمایش «پایین، گذر سقاخانه» / سفر به تهران قدیم ۱	صبح نو
۲۰	نگاه «صبح نو» به نمایش «پایین، گذر سقاخانه» / سفر به تهران قدیم ۲	صبح نو
۲۱	«شاه مرنی، هیچ کجا» مهمان جدید تماشاخانه نوفل لوشاتو	نسل فردا
۲۲	انسان در جایی که هست خوشحال نیست	هنرمند
۲۳	تئاتری های پیشکسوت صاحب موزه می شوند؟	هنرمند



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



عطا... کوپال کارگردانی می کند



عطا... کوپال، مدرس و کارگردان
تئاتر در قالب کارگاه «نوآوران ادبیات»
نمایشنامه «مرگ در گذرگاه صلح»
را نمایشنامه خوانی می کند. کارگاه
«نوآوران ادبیات» به سرپرستی عطا...
کوپال فعالیت های نمایشنامه خوانی خود
را با خوانش نمایشنامه «مرگ در گذرگاه
صلح» نوشته صبوره رنگرز پی می گیرد.
اجراهای تخصصی نمایشنامه خوانی از
فعالیت های این کارگاه است که خوانش
کنونی در روز شنبه پنجم شهریور در
تماشاخانه «دا»، واقع در خیابان خارک
جنب تالار وحدت به اجرا در خواهد آمد.
دیگر عوامل این اجرا عبارتند از: دستیار
کارگردان: افسون شکاری، طراح گریم:
عاطفه رضایی و...

آتیا پسiani در «اولثانا»

اجراخوانی نمایشنامه «اولثانا» نوشته دیوید ممت با حضور آتیا پسiani و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث به زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می رود. به گزارش صبا، در توضیح اثر چنین آمده است: «چه کسی پیروز خواهد شد؟ چه کسی حق دارد؟ واکنش های چندپاره یک واقعیت و قطعیتی که هرگز جان نمی گیرد»



تاریخ انتشار: شنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۴۰۱ * ۱۰:۱۸

تشکیل کمیته برای تصمیم‌گیری در رابطه با تئاتر شهر

شهردار منطقه ۱۱ با اشاره به وجود چالش‌های اجتماعی در تئاتر شهر تهران، گفت: حصارکشی راه حل مشکلات موجود در این مکان نیست. سید محمد موسوی با اشاره به چالش‌های اجتماعی موجود در تئاتر شهر، گفت: کمیته‌ای برای تصمیم‌گیری درباره تئاتر شهر که دارای ارزش تاریخی، فرهنگی و ملی است ایجاد شد. مشکل این مکان دغدغه مدیریت شهری است. معضلات اجتماعی در تئاتر شهر عمومی است و تنها مربوط به این محل نمی‌شود؛ اما به علت جایگاه آن، معضلاتی نظیر حضور معتادان متجاهر و دستفروشان حتی به مقدار کم نیز در این مکان آزار دهنده است. وی درباره حصارکشی در محوطه این ساختمان به عنوان راهکاری برای ممانعت از حضور معتادان متجاهر و دستفروشان در اطراف تئاتر شهر افزود: ما ورود به موضوع حصار نداریم و معتقدیم با حصارکشی چیزی

درست نمی‌شود. تئاتر شهر مکانی عمومی است که رویدادهای اجتماعی، ملی و فرهنگی در محوطه آن برگزار می‌شود. البته مراقبت از اصل ساختمان موضوع متفاوتی است و کارگروهی در شورا تشکیل و طرحی پرزنت شده که سازمان زیباسازی روی آن کار می‌کند. همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد و مسئولان خود تئاتر شهر نیز در آن کارگروه حضور دارند. موسوی ادامه داد: طرح اولیه برای مراقبت از ساختمان و جلوگیری از آسیب به بنا نوشته شده است. محوطه نیز با طرح‌های اجتماعی کنترل می‌شود. تخصصی و ملی بودن موضوع محوطه تئاتر شهر باعث لزوم توجه به اقدامات کارشناسی در این باره می‌شود. نباید اتفاقی بیفتد تا خاطر مردم و اصحاب رسانه مکدر شود. هر اتفاقی در این زمینه باید با خرد جمعی و همکاری همه دستگاه‌ها بیفتد.

با انتشار نامه چهار ماده‌ای صورت گرفت انصراف محمد رضایی راد از اجراء سالن دولتی

از خوان‌های متعدد باز خوانی و بازبینی اصلا به اجرا برسد- در چندمین شب اجرای خود گرفتار چنین رویه ناصحیحی نشود؟ و اگر شد، چه کسی پاسخگوی زیان‌های وارده به گروه خواهد بود؟
در چنین شرایطی اصلا از «امنیت شغلی» چه باقی می‌ماند؟ و کسب مجوز از شورای نظارت اداره کل هنرهای نمایشی و عبور از خوان‌های متعدد باز خوانی و بازبینی، اگر تضمینی برای اجرای بی‌مساله یک تئاتر نباشد، اصلا چه ارزشی دارد؟ حقیقتا انصاف بدهید در شرایطی که اداره کل هنرهای نمایشی و شورای نظارت توان تعهد به مجوز قانونی خود را ندارند، طی کردن مراحل متعدد باز خوانی و بازبینی و کسب مجوز اجراء از شورای نظارت نیز امری عبث بوده و اطمینان خاطری به همراه نمی‌آورد.

۳- گویا اخیرا تغییری در ترکیب اعضای شوراهای باز خوانی و بازبینی شورای نظارت رخ داده و در بدعتی تازه، جمعی از طلاب به جمع باز خوانان و بازبینان این شورا پیوسته‌اند. از آنجا که این افراد تاکنون رسماً به جامعه هنری معرفی نشده و هیچ اطلاعی از میزان آشنایی و تجربه و تخصص احتمالی ایشان در زمینه تئاتر در دست نیست، طبیعتاً اطمینانی به درک صحیح آنان از ظرافت‌های متن و اجرای نمایش نیز وجود ندارد. هر چند مطمئنیم نظر هنرمندان در این مورد برای مسوولان مربوطه هرگز محل اهمیت و اعتنا نیست، با این حال حق خود می‌دانیم که این بدعت ناصواب را نپذیرفته، جدانسیب به آثار سوهان هشدار دهیم.

۴- در محافل هنری شنیده‌ایم و در برخی رسانه‌ها به نقل از هنرمندان خوانده‌ایم که گویا طبق دستور یا نامه‌ای که مرجع و مبنای قانونی آن محل سؤال است، برخی هنرمندان نام آشنا (همچون همایون غنی‌زاده، محمد رحمانیان و...) از «حق اجرای تئاتر در سالن‌های دولتی» محروم شده‌اند. آیا در چنین شرایطی اجرای نمایش مادر یک «سالن دولتی» به معنای بی‌اعتنایی ما به تضییع آشکار حقوق همکاران مان نخواهد بود؟ معتقدیم که «سالن‌های تئاتر دولتی» اگر چه «دولتی» خوانده می‌شوند، اما نه متعلق به دولت‌ها و مدیران موقت دولتی، بلکه متعلق به ملت و هنرمندانی هستند که سال‌ها برای ارتقای فرهنگ و هنر این مملکت کوشیده‌اند. بنابراین ما همراهی با این محرومیت هنرمندان دیگر را هرگز در شأن خود نمی‌دانیم.

بنابراین با توجه به موارد مذکور و در حالی که تاکنون بیش از پنج ماه و حدود ۴۰ جلسه تمرین رضایت‌بخش نمایش را پشت سر گذاشته‌ایم، آگاهانه و با تصمیمی جمعی، از حق خود برای اجرای این نمایش در «سالن اصلی تئاتر شهر» چشم‌پوشی کرده و البته با ادامه تمرینات خود، منتظر تغییر شرایط و بازگشت امنیت خاطر به فضای تئاتر و فراهم شدن شرایطی مطلوب برای اجرای نمایش «به گزارش زنان تروا» خواهیم ماند.

با احترام

«گروه تئاتر خانه»

گروه تئاتر «خانه» به سرپرستی محمد رضایی راد با انتشار نامه‌ای سرگشاده در خبرگزاری‌های رسمی انصراف از اجراء در سالن دولتی «تئاتر شهر» را اعلام کرد و در این میان نکاتی برشمرد که برای ثبت در تاریخ اهمیت دارد. متن نامه گروه تئاتر «خانه» که قرار بود آذر و دی امسال نمایش «به گزارش زنان تروا» را به نویسندگی مشترک نغمه ثمینی و محمد رضایی راد و با کارگردانی رضایی راد در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا شود، خطاب به محمد جواد طاهری -مدیریت مجموعه تئاتر شهر- نوشته شده که به شرح زیر است:

جناب آقای محمد جواد طاهری
مدیریت محترم تئاتر شهر

باسلام

چنان که لایذ مطلع هستید طبق تفاهنامه‌ای که در دی ماه ۱۴۰۰ به امضای مدیر سابق مجموعه تئاتر شهر رسیده، مقرر شده است «گروه تئاتر خانه» نمایش «به گزارش زنان تروا» (با نام اولیه هکاب) را به نویسندگی مشترک آقای محمد رضایی راد و سرکار خانم نغمه ثمینی و کارگردانی محمد رضایی راد در آذر و دی ۱۴۰۱ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه ببرد، اما متأسفانه وقایع متعددی که در چند

ماه اخیر در تئاتر ایران رخ داده، امید به اجرای بی‌مساله و بی‌آسیب این نمایش را در شرایط فعلی از میان برده است. از جمله:

۱- از اوایل سال جاری و در کمال تأسف با ادعای ممنوعیت کاری سرکار خانم

نغمه ثمینی مواجه شده‌ایم که البته قانونی بودن آن محل تردید است؛ زیرا در شرایطی که هیچ اتهامی برای ایشان در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده و حتی خودشان هم از دلایل این ممنوعیت کاملاً بی‌اطلاع بوده و هنوز امکان پاسخگویی به ابهامات احتمالی را نداشته‌اند، چطور یک دستگاه اجرایی می‌تواند حکم به مجازات ممنوعیت کاری یک هنرمند داده و او را از حقوق اولیه و بدیهی خود محروم کرده باشد؟ در چنین شرایطی ما به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای هرگز شریک حذف نام همکاران نخواهیم شد.

۲- طی چند ماه اخیر و با تغییری که در «اداره کل هنرهای نمایشی» رخ داده است، متأسفانه به کرات شاهد انتشار اخباری در مورد بازبینی‌ها و ممیزی‌های مجدد یا حتی توقیف موقت و توقف فروش بلیت نمایش‌های در حال اجرایی بوده‌ایم که همگی شان با طی مراحل مختلف باز خوانی و بازبینی، مجوز اجرا گرفته بودند؛ این تضییعات آشکار گاه مستقیماً از سوی شورای نظارت اداره کل هنرهای نمایشی و گاه -بنابه شنیده‌ها- با فشار دستگاه‌های دیگر و حتی گاه به پنهان وجود شاکیان خصوصی انجام گرفته است.

اکنون جناب عالی بفرمایید حقیقتاً چه تضمینی وجود دارد نمایشی بزرگ و پرهزینه که با مختصات «سالن اصلی تئاتر شهر» در حال تولید است، پس از ماه‌ها تمرین و صد‌ها میلیون تومان هزینه -و اگر در گذر



نمایش «حکم» در مشهد متوقف شد ثبت رکورد ۱۰ توقیف در شش ماه

بنابر این مردم که بلیت خریداری کرده بودند، دست خالی به خانه‌هایشان بازگشتند.» در این راستا رضا هژبر کلالی، معاونت هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی نیز در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: «شورای نظارت نمایش اجرای این نمایش را تایید نکرده، چراکه آنچه در بازبینی اجرا شده بود، با آنچه در اجرای عمومی انجام شده، متفاوت است.» وی با بیان اینکه صفر تا صد مجوز و لغو آن با شورای نظارت است، افزود: براساس نظر شورای نظارت فعلاً از اجرای نمایش حکم جلوگیری می‌شود تا اصلاحات مربوطه انجام شود و در این صورت بتواند مجدد به صحنه برگردد. عرصه هنرهای نمایشی ایران از ابتدای سال تاکنون شاهد توقیف‌های متعددی بوده که از جمله آنها می‌توان به توقف اجرا یا عدم صدور مجوز برای نمایش‌های «شب شک»، «خونین زار»، «آن سوی آینه»، «چاه باز کن»، «مخاطب»، «و چند داستان دیگر»، «رابینسون کروزو» و «خاک سفید» اشاره کرد. به این ترتیب نمایش «حکم» نهمین تئاتری است که از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا اینجا که به پایان شش ماهه دوم نزدیک می‌شویم با دستور توقف مواجه می‌شود. در



همین رابطه باید به این نکته اشاره کرد که محمد رضایی‌راد، نمایشنامه‌نویس و کارگردان شناخته شده تئاتر ایران حدود ۴۸ ساعت قبل با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب مدیر مجموعه «تئاتر شهر» - بخوانید مدیر کل هنرهای نمایشی - انصراف خود از اجرای نمایش «به گزارش زنان تروا» را به دلیل آنچه ممنوع‌الکاری همکار خود نغمه ثمینی خواند، اعلام کرد. آقای رضایی‌راد فقدان امنیت شغلی هنرمندان تئاتر و عدم حمایت مدیریت تئاتر کشور از مجوزهای صادر شده به دست خودشان را دلیل دیگر این انصراف اعلام کرد. امری که به حاکم شدن جو بی‌اعتمادی شدید میان هنرمندان انجامیده و مدیران تئاتری هیچ توانی در کنترل و جلوگیری از عمیق‌تر شدنش ندارند. حتی چنین عظمی نشان نمی‌دهند.

بازیگر نمایش «حکم» که چند روزی است با دستور توقیف مواجه شده، توضیح می‌دهد: «معاونت هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی طی نامه‌ای به تماشاخانه خورشید مشهد اعلام کرد نمایش حکم تا بررسی مجدد امکان اجرا نخواهد داشت.» مسعود حکم‌آبادی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه شامگاه ۲۶ مرداد ماه، از اجرای نمایش «حکم» در تماشاخانه خورشید جلوگیری به عمل آمد، اظهار می‌کند: «ساعت ۱۷ آماده رفتن به محل اجرا بودیم که متوجه شدیم سایت گیشات بدون اطلاع ما بلیت‌فروشی نمایش حکم را متوقف کرده است. وقتی از سالن محل اجرا پیگیر چرایی موضوع شدیم، نامه‌ای به من نشان دادند که در آن قید شده بود دلیل این توقیف نمایش حکم مغایرت آنچه در اجرا روی صحنه می‌رود با چیزی که بازبینی شده، است. نمایش حکم در حضور افرادی بیش از شورای نظارت بازبینی

و برخی اصلاحات به ما اعلام شد که از آن تمکین کردیم. منتها طبیعی است هنگامی که در نمایشی دیالوگی کم و زیاد می‌شود، بایستی منطق آن با جایگزینی دیالوگ‌های دیگر جبران شود. با تمام این‌ها به دبیر شوراهای اعلام کردم

حتی اگر لازم است نامه رسمی ارسال می‌کنم مبنی بر اینکه اعضای شورای نظارت در نخستین شب اجرا به تماشای آن بنشینند و نظر نهایی را بدهند اما دبیر شورا گفت نیازی نیست. حکم‌آبادی با اشاره به اینکه در میانه اجرا گفتند از نمایش فیلم بگیرد، ادامه داد: «این وظیفه ما نیست و بایستی سالن پاسخگو باشد اما ما این کار را انجام دادیم و وقتی تماس گرفتیم که فیلم را کجا ارسال کنیم، گفتند خبرتان می‌کنیم. چهار ساعت بعد از این مکالمه هم نامه توقیف به سالن ابلاغ شد.» وی با اظهار امیدواری نسبت به حل مساله با مذاکره تصریح می‌کند: «مادیشب خواهش کردیم که اجازه دهند به احترام مخاطبانی که پشت در سالن هستند، اجرا کنیم که از قول مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان به ما گفته شد به صلاح نیست.

یادداشتی تحلیلی بر نمایش «تن داده» ساخته مسعود صلواتی مساله ضرورت یا انتخاب در میان است



محسن خیمه‌دوز

نمایش «تن داده» که با موضوعی جالب به متنی خوب رسیده، زیست انسان‌هایی را روایت می‌کند که تن به موقعیت تحمیلی داده و بی‌آنکه متوجه غیراصیل بودن مانع راه بشوند، با اسارت در قواعد خودساخته به نوعی الیناسیون اجتماعی دچار شده و هر لحظه از عمر خود را به جای آنکه به فکر عبور از موانع ساختگی باشند تا شاید تحولی در زیست خود ایجاد کنند، به شبه‌مسائل و جزئیات به در دنجور می‌پردازند و عمر خود را پشت چراغ قرمز تلف می‌کنند که انگار قرار نیست هیچ وقت سبز شود و اینکه در این میان فقط دو نفر پیدا می‌شوند (یک زن و یک مرد) که می‌خواهند اراده دارند از مانع چراغ قرمز عبور کنند.

اگر «خوانش جامعه‌شناختی» از اثر داشته باشیم، آن دو نفر هنجار شکنانی هستند که بر غفلت جمعی دیگران غلبه می‌کنند و باعث تحول می‌شوند.

اگر «خوانش اگزیستانس» از اثر داشته باشیم، می‌بینیم که همه افراد انسانی دچار بحران هویت‌اند و نمی‌دانند از کجا آمده‌اند و به کجا می‌روند و حتا نمی‌دانند که اگر از چراغ قرمز هم عبور کنند، آیا مقصدی و جایی هست که به آن برسند؟ انگار در اینجا باید با «ورهان ولی» هم‌صدا شد و قتی که گفت: «هیچ اتفاقی قرار نیست بیفتد، اما آدمی است دیگر، همیشه منتظر می‌ماند»

اگر «خوانش هستی‌شناختی» از اثر داشته باشیم با وضعیت عجیب دیگری مواجه می‌شویم. اینکه انگار باید بپذیریم که هدف از ورود، خروج است. هدف از راه رفتن،

توقف است. هدف از ایستادن و مقاومت کردن، نشستن و وارفتن است. هدف از زندگی پر از عجله و پر از دغدغه رفتن، مرگ و سکون است و نهایتاً هدف عبور از چراغ قرمز زندگی، گویی چیزی نیست جز رسیدن به تاریکی و رفتن در مفاک سکوت، خلأ نیستی.

و اگر «خوانش تاریخی» داشته باشیم به نظر می‌رسد که نمایش تن داده، در نقد مدرنیته نوشته و اجرا شده است. چراغ قرمز، خط‌کشی و خیالان که به قول والتر بنیامین نماد مدرنیته است و مردمی که نشان‌گر زندگی مدرن و بروکراسی مدرنیته‌اند، پشت چراغ قرمز (نماد تکنیک و ارزش‌های مدرنیته) متوقف شده‌اند. این توقف اگر بیان بن‌بست مدرنیته باشد که نگاهی ایدئولوژیک و جهان‌سومی از مدرنیته است اما اگر این بن‌بست و توقف، مساله انسان مدرن (سنتی و غربی) باشد می‌توان گفت تحلیل و نگاه درستی است که در این صورت می‌توان گفت نمایش تن داده فاقد نشانه‌گذاری درست برای انسان معاصر است، زیرا نشانه‌ها همه مربوط به انسان غربی است. با این حال، از آنجا که یک نشانه از یک اثر موفق، امکان خوانش پذیری متعدد از اثر است و نمایش «تن داده» هم‌قادر به ارائه چنین خوانش‌های متعددی است، بنابراین می‌توان گفت تن داده (نوشته و کارگردانی منصور صلواتی) نمایش خوب و موفقی است و اجرای صحنه‌ای آن نیز با تعداد زیاد بازیگر (نوزده نفر) نوعی غفلت جمعی و تن‌دادگی به موقعیت‌ها را عینیت می‌بخشد. خلاصه چند نقد بر متن و اجرای نمایش «تن داده»:

۱- متن نمایش، پرداخت «موقعیت تن‌دادگی» را به خوبی به قلم آورده و زمینه را برای ظهور یک «نقطه عطف» به خوبی فراهم کرده، اما همین متن در مورد پرداخت خود



بودیم که به تنهایی می‌توانست عامل جذابیت نمایش و علت توجه بعدی مخاطب به نمایش باشد.

۵- اجرای صحنه‌ای «تن داده» فاقد خلاقیت فرمال در طرح یک «تفاتی عمیق و تاثیر گذار» است. اتفاقی که اتفاقاً خود متن آن را به زیبایی خلق کرده است.

۶- از این منظر باید گفت نمایش «تن داده» نیازمند یک دراماتورژی قوی است چون که پتانسیل درون متنی آن برای ایجاد یک خلاقیت فرمال در صحنه، قوی است. به همین دلیل «تن داده» نمایشی است که کسی از دیدنش ضرر نمی‌کند، زیرا تلاشی را به نمایش می‌گذارد که بخش

خلاق نسل جدید تئاتر ایران آن را باز حمت و زیبایی به اجرا گذاشته است. نمایشی که می‌تواند زیست بخش زیادی از مخاطبانش را نسبت به خطر «تن دادگی» آگاه کند، خطری

که در آن غوطه‌ورند و تحت تاثیر آن به آشغال خوری از سطل زباله «تن داده» اند (بخش آشغال خوردن کاراکترهایی که

بیش از اندازه پشت چراغ قرمز متوقف شده‌اند، از بخش‌های زیبا و تکان دهنده نمایش است) و آگاهی به این خطر است که نهایتاً «ضرورت پذیرش تن‌دادگی» را به «اراده عبور از

تن دادگی» تبدیل می‌کند.

نقطه عطف (خروج زن و مرد از خط‌کشی و عبور از چراغ قرمز) که ایستادن طولانی پشت آن عادت همگانی شده (دقیق و با ظرافت عمل نکرده است. اتفاقی که باید در امانیکو با تأمل و زیباشناسی گفتار، رفتار و فرم انجام می‌شد، یکبار و بدون هیچ تأمل خاصی اتفاق می‌افتد و اجرا به این ترتیب یک پتانسیل خوب متن را از صحنه حذف می‌کند.

۲- اجرا از متن اندکی عقب مانده و اضطراب درون متن و زیباشناسی درون متن را به صحنه منتقل نمی‌کند، به ویژه در ریتم مربوط به بخش آغازین نمایش. ریتمی که درون متن به خوبی خلق و طراحی شده است.

۳- جملات اجرا بر صحنه، همه انفجاری، پر سر و صدا و پینگ‌پنگی ادا می‌شوند در حالی که در متن، هم سکوت وجود دارد، هم تنوع در گفتار، سکوت و تنوعی گفتاری که در بازی‌های صحنه‌ای «تن داده» وجود ندارد.

۴- بازی همه بازیگران فاقد «موسیقی گفتار» است و زیباشناسی ادای جملات (که در متن به خوبی امکان‌پذیر فراهم شده) در اجرا کاملاً از بین رفته است. اگر موسیقی گفتار در بازی بازیگران اجرا می‌شد، ما شاهد یک آرکستر زیبا از آواهای گوناگون و ظهور یک «باله گفتاری» بر صحنه

آتیلای پسیانی با «اولئانا» روی صحنه می آید

اجراخوانی نمایشنامه «اولئانا» نوشته «دیوید ممت» با حضور آتیلای پسیانی و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث به زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می آید.

به گزارش ایرنا، در توضیح نمایشنامه اولئانا آمده است: چه کسی پیروز خواهد شد؟ چه کسی حق دارد؟ واکنش های چندپاره یک واقعیت و قطعیتی که هرگز جان نمی گیرد.

از انتهای زمستان تا ابتدای بهار، یرما، چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد و جان سوخته تجربه های پیشین اجراخوانی به کارگردانی مهتا محدث هستند که در هر کدام از این آثار به یکی از دغدغه های اجتماعی و معضلات روز جامعه پرداخته است.

سریال یاغی و فیلم سینمایی ابلق از جمله نقش آفرینی های اخیر محدث در مقام بازیگر است.

اولئانا یکی از مشهورترین نوشته های دیوید ممت و اخیر تجربه کارگردانی مهتا محدث است که به واکاوی حقایق مبهم و مه آلود از بزرگترین چالش این روزهای جامعه به ویژه در سینما و تئاتر هم می پردازد. واقعیت هایی که شاید همان حقیقت نیست.



تاریخ انتشار: شنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۴۰۱ * ۱۸:۱۰

آتیلا پسیانی با «اولثانا» روی صحنه می آید

اخیر محدث در مقام بازیگر است. اولثانا یکی از مشهورترین نوشته‌های دیوید ممت و اخیر تجربه کارگردانی مهتا محدث است که به واکاوی حقایق مبهم و مه‌آلود از بزرگترین چالش این روزهای جامعه به‌ویژه در سینما و تئاتر هم می‌پردازد. واقعیت‌هایی که شاید همان حقیقت نیست.

از انتهای زمستان تا ابتدای بهار، یرما، چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد و جان سوخته تجربه‌های پیشین اجراخوانی به کارگردانی مهتا محدث هستند که در هر کدام از این آثار به یکی از دغدغه‌های اجتماعی و معضلات روز جامعه پرداخته است. سریال یاغی و فیلم سینمایی ابلق از جمله نقش‌آفرینی‌های

بهار - اجراخوانی نمایشنامه «اولثانا» نوشته «دیوید ممت» با حضور آتیلا پسیانی و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث به‌زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌آید. به گزارش بهار از ایرنا، در توضیح نمایشنامه اولثانا آمده است: چه کسی پیروز خواهد شد؟ چه کسی حق دارد؟ واکنش‌های چندپاره یک واقعیت و قطعیتی که هرگز جان نمی‌گیرد.

آتیلای پسیانی با «اولئانا» روی صحنه می آید

اجراخوانی نمایشنامه «اولئانا» نوشته «دیوید ممت» با حضور آتیلای پسیانی و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث به زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می آید.

در توضیح نمایشنامه اولئانا آمده است: چه کسی پیروز خواهد شد؟ چه کسی حق دارد؟ واکنش‌های چندپاره یک واقعیت و قطعیتی که هرگز جان نمی‌گیرد. از انتهای زمستان تا ابتدای بهار، یرما، چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد و جان سوخته تجربه‌های پیشین اجراخوانی به کارگردانی مهتا محدث هستند که در هر کدام از این آثار به یکی از دغدغه‌های اجتماعی و معضلات روز جامعه پرداخته است. اولئانا یکی از مشهورترین نوشته‌های دیوید ممت و اخیر تجربه کارگردانی مهتا محدث است که به واکاوی حقایقی مبهم و مه‌آلود از بزرگترین چالش این روزهای جامعه به‌ویژه در سینما و تئاتر هم می‌پردازد. واقعیت‌هایی که شاید همان حقیقت نیست.

مجموعه نمایشنامه های خسرو بامداد منتشر خواهد شد

مدیر کل هنرهای نمایشی در دومین برنامه دیدار با پیشکسوتان و استادان عرصه تئاتر عصر روز گذشته به دیدار خسرو بامداد محقق، مدرس، نویسنده و کارگردان تئاتر رفت و با انتشار مجموعه نمایشنامه های این هنرمند به همت دفتر پژوهش و انتشارات اداره کل هنرهای نمایشی موافقت کرد. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، در دومین برنامه دیدار با پیشکسوتان و استادان عرصه تئاتر، کاظم نظری مدیر کل هنرهای نمایشی به همراه رضا بصیرت مدیر انجمن هنرهای نمایشی ایران، عصر روز گذشته با حضور در منزل خسرو بامداد محقق، مدرس، نویسنده و کارگردان تئاتر از این هنرمند پیشکسوت دیدار کردند. بخش ابتدایی این دیدار با بیان خاطرات و اشاره به موفقیت دانشجویان این هنرمند در عرصه های مختلف هنری سپری شد. در ادامه، خسرو بامداد که این روزها به دلیل شرایط کرونا و کسالت، در خانه به سر می برد ضمن ابراز خشنودی از دیدار کاظم نظری در وهله نخست به عنوان یکی از دانشجویانش که همیشه جویای احوال او بوده است و در وهله دوم به عنوان مدیر کل هنرهای نمایشی، خواستار تداوم و حفظ برنامه دیدار با هنرمندان پیشکسوت شد.

فرهاد آیش:

مصدق، یکی از محبوب ترین سیاستمداران است

در تئاتر و هم در سینما از دکتر مصدق نمایش می‌دهید، به واقعیت نزدیک باشد؟

مصدق، یک شخصیت حقیقی و تاریخی است که ما و را می‌شناسیم. جنبش ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد، یک روند سیاسی است که باید به آن وفادار بود. همان طور که گفتم، من از سیاست خوشم نمی‌آید، ولی مصدق جزو معدود نقش‌هایی بود که من می‌توانستم به عنوان یک سیاستمدار واقعی آن را ایفا کنم. برای این نقش را قبول کردم که دکتر مصدق، یکی از محبوب ترین سیاستمداران است که من او را می‌شناسم.

برای رسیدن به این شخصیت، خیلی مطالعه کردم البته توضیح دادن خصوصیات اخلاقی دکتر مصدق بسیار سخت است، چون باید یک انسان را توصیف کنم و نمی‌توانم با چند کلمه ایشان را توضیح دهم. به هر حال ایشان یک سیاستمدار بودند، شاید گاهی سیاستمداران ناچار می‌شوند دروغ بگویند، ولی فکر می‌کنم ایشان کم‌تر از بقیه این کار را انجام می‌دادند.

اگر اقدامات دکتر مصدق، از جمله تلاش برای ملی کردن صنعت نفت انجام نشده بود و کودتای ۲۸ مرداد هم رخ نداده بود، چه پیش می‌آمد؟

سوال بسیار سختی است، اما اگر کودتای ۲۸ مرداد رخ نمی‌داد ما در یک شرایط کاملاً متفاوتی بودیم و خدا می‌داند که شرایط بهتر بود یا بدتر. چون یک بال زدن پروانه در این طرف جهان، روی سیاست آن طرف جهان تأثیر گذار است، چه برسد به این که یک دوره سیاسی در تاریخ تغییر کند، اصلاً نمی‌توان گفت که اگر آن اتفاق نمی‌افتاد، الان چه می‌شد ولی من فکر می‌کنم بزرگ ترین اشتباه شاه، انتخاب مصدق به نخست‌وزیری بود.



همان اتفاقی که با آقای کیمیایی گفت و گو می‌کردم، عکس آقای مصدق روی دیوار بود.

شما گفتید که ارادت زیادی به دکتر مصدق دارید، شناختی هم روی شخصیت دکتر نون دارید؟

بله، یکی از نزدیکان و یاران وفادار دکتر مصدق بودند.

باتوجه به سرانجامی که دکتر نون داشت، می‌توانیم او را یک خائن بدانیم؟

از دیدگاه من نمی‌توان کسی را قضاوت کرد چون او با به پای دکتر مصدق حرکت کرد، حالا در آن زمان چه شرایطی داشته که چنین کاری انجام داده، واقعا هیچ کس نمی‌داند و شاید هر یک از ما هم جای او بودیم چنین کاری را می‌کردیم و واقعا نمی‌توانم بگویم او یک خائن بوده، البته نمی‌توانم کارش را هم تایید کنم به هر حال تاریخ این گونه است.

تا چه اندازه سعی کردید شخصیتی که هم

ایفا کرده است.

به بهانه ۲۸ مرداد، به گفت و گو با فرهاد آیش باز یگر نقش دکتر مصدق پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

شما پیش از بازی در فیلم سینمایی «خائن کشی» در تئاتر «راپورت‌های شبانه دکتر مصدق»، نقش دکتر مصدق را بازی کرده بودید، آن نقش چه اندازه روی شناخت شما از محمد مصدق تأثیر داشت؟

آن نمایش روی شناخت من نسبت به دکتر مصدق خیلی تأثیر گذار بود، به این خاطر که آن زمان بیشترین وقت را برای شناخت این شخصیت صرف کردم.

یکی از دلایلی هم که آقای کیمیایی من را برای این نقش انتخاب کردند، جدا از شباهت چهره، توافقی بود که روی شخصیت و نقش تاریخی دکتر مصدق داشتیم. روز اولی که آقای کیمیایی با من ملاقات کردند، دنبال این بودند که ببینند من هم مانند خودشان به دکتر مصدق ارادت دارم یا نه. البته باید بگویم من مصدقی نیستم و تکرار کنم هیچ راه سیاسی را دنبال نمی‌کنم، ولی معتقدم آقای مصدق یک انسان بسیار شریفی بودند. نکته جالب این که در

دکتر نون پس از سقوط دولت مصدق به زندان می‌افتد و تحت شکنجه قرار می‌گیرد تا علیه مصدق سخنرانی کند اما او مقاومت می‌کند. شکنجه‌گران برای شکستن مقاومت نون به او می‌گویند که در حال شکنجه همسرش هستند و به این ترتیب او تسلیم می‌شود. بعد از آزادی از زندان، پشیمانی از خیانتی که مرتکب شده موجب می‌شود که خود و همسرش را عذاب دهد... دکتر «نون» از مشاوران و بستگان دور دکتر مصدق بوده و دکترای حقوقش را از دانشگاه سوربن فرانسه گرفته. از کودکی عاشق و شیفته دختر عمویش، ملکناج بود و وقتی از پاریس برگشت با او ازدواج کرد... دکتر نون صدای شکنجه شدن ملکناج را که شنید حاضر به مصاحبه‌ای علیه دکتر مصدق شد. مصاحبه از رادیو پخش شد. دکتر نون به خانه‌اش برگشت و فهمید که آنها ملکناج را دستگیر نکرده بودند بلکه از صدای ضبط شده برای آزارش استفاده کرده بودند... دکتر نون از آن پس از زندگی دست می‌کشد چون فکر می‌کند که یک خائن است. او از آن به بعد همیشه دکتر مصدق را در خانه‌اش می‌بیند که پر سسه می‌زند و دکتر نون را سرزنش می‌کند... معمولاً در فیلم‌ها، سریال‌ها و تئاتر هایی که ساخته می‌شود، کسی به این درام غم‌انگیز چندان نمی‌پردازد، بلکه همه سعی دارند داستان را حول محور محمد مصدق روایت کنند.

برای رسیدن به این قصه هم تئاترها فیلم‌هایی زیادی ساخته شده که «خائن کشی» مسعود کیمیایی که در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد تازه ترین فیلم سینمایی و تئاتر «راپورت‌های شبانه دکتر مصدق» آخرین تئاتری است که تا کنون روی صحنه نمایش رفته است.

مصدق سیاست را که همه می‌شناسند، اما شاید بتوان فرهاد آیش را مصدق سینما و تئاتر دانست. قدی بلند، اندامی متناسب، بینی استخوانی و صورتی کشیده از ویژگی‌های ملی کننده صنعت نفت است که دست بر قضا فرهاد آیش هم از لحاظ ظاهری شباهت زیادی به او دارد و به دلیل همین شباهت ظاهری، آیش تا کنون دوبار نقش محمد مصدق را

آتिला پسیانی با «اولئانا» روی صحنه می آید

اجراخوانی نمایشنامه «اولئانا» نوشته «دیوید ممت» با حضور آتिला پسیانی و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث به زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می آید.

در توضیح نمایشنامه اولئانا آمده است: چه کسی پیروز خواهد شد؟ چه کسی حق دارد؟ واکنش های چندپاره یک واقعیت و قطعیتی که هرگز جان نمی گیرد. از انتهای زمستان تا ابتدای بهار، سرما، چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد و جان سوخته تجربه های پیشین اجراخوانی به کارگردانی مهتا محدث هستند که در هر کدام از این آثار به یکی از دغدغه های اجتماعی و معضلات روز جامعه پرداخته است. سریال یاغی و فیلم سینمایی ابلق از جمله نقش آفرینی های اخیر محدث در مقام بازیگر است. اولئانا یکی از مشهورترین نوشته های دیوید ممت و اخیر تجربه کارگردانی مهتا محدث است که به واکاوی حقایق مبهم و مه آلود از بزرگترین چالش این روزهای جامعه به ویژه در سینما و تئاتر هم می پردازد. واقعیت هایی که شاید همان حقیقت نیست.





سفر به طهران قدیم

گزارش ویژه

فاطمه زمی‌بار

خبرنگار

دارند. ریشه این الگوهای رفتاری در جامعه ما کاملاً در دسترس و هویدا هستند. آدم‌های نمایشنامه «پایین، گذر سقاخانه» ماحصل شناخت عمیق اکبر رادی درباره ریشه‌های فرهنگی مقوله مورد بحث است. پیکری از نگرش‌ها و ارزش‌ها که موجب به وجود آمدن الگوهای رفتاری میان اعضای یک گروه یا قشری خاص در جامعه می‌شود، پیوندهای خود را با فرهنگ رایج و مقبول قطع می‌کند. بدین ترتیب خرده فرهنگ‌ها متولد می‌شوند و در حواشی اجتماع عادات رفتاری بسیاری از مردم را تعیین می‌کنند.

اکبر رادی یکی از قطب‌های نمایشنامه‌نویسی ایران است. تسلط رادی بر زبان و ادبیات این گروه‌های اجتماعی تحسین برانگیز است و ما را به جایی می‌برد که برای حفظ این میراث خرده فرهنگی جدی‌تر عمل کنیم. بازی خوب و مسلط نقش‌های اصلی مردم هم که در بیان عبارات و جملات بسیار باورپذیر عمل می‌کنند از نقاط کمک‌کننده و مثبت دیگر این نمایش است. هرچند داستان خیلی دیر اتفاق می‌افتد و شاید تا نیمی از نمایش

طاهر در مسابقات شرکت می‌کند و برنده کاپ و مدال قهرمانی می‌شود. در این میان، پری دختر یکی از بزرگان محل به اسم حاجی میناچی دل‌باخته طاهر می‌شود و از طرفی فری عاشقانه پری را دوست دارد و همین باعث درگیری و خشم فری نسبت به طاهر می‌شود. می‌توان گفت محوریت اصلی نمایش آیین جوانمردی در ایران است که سابقه‌ای بس طولانی و کارکترهای فراموش‌نشده‌ای در نوع خود دارد. همواره زورمندی، پاکدامنی، زهد پیشگی، دادگری، سخاوت‌مندی و مهمان‌نوازی از ویژگی‌های بارز آیین جوانمردی بوده است. این خصایص تا به امروز هم در میان عامه مردم خریدار دارد و از ویژگی‌های شخصیت‌های متعالی در زندگی اجتماعی است. آدم‌های نمایشنامه «پایین، گذر سقاخانه» هم برخاسته از همین الگوی رفتاری هستند که تا به امروز هم در هیات خرده فرهنگ‌های گوناگون در بسیاری از مناطق ایران وجود دارند. در زندگی شهری امروز اشکال کم‌رنگ و تغییر شکل داده‌اند اما این آیین‌ها هنوز هم در بسیاری از مناطق وجود

نمایش «پایین، گذر سقاخانه» به طراحی و کارگردانی «رضا بهرامی» از ۲۰ مرداد تا ۲۰ شهریور در تماشاخانه سنگلج روی صحنه است. نمایش با فضای ماه محرم و عزاداری تلفیق شده است که این در کنار بازی خوب بازیگران و طراحی صحنه و لباس مناسب می‌تواند به خوبی مخاطب خود را در سفری کوتاه به دهه ۵۰ ببرد. فضای صحنه، نور، موسیقی و موضوع هم‌خوانی بسیار خوبی در کنار یکدیگر دارند. «پایین، گذر سقاخانه» نمایشنامه‌ای است از اکبر رادی که در سال ۱۳۸۳ نوشته شد و هادی مرزبان در آبان ماه سال ۱۳۸۵ برای اولین بار آن را به اجرا درآورد؛ اکبر رادی در این نمایشنامه به سراغ مردم عادی کوچه و خیابان و به ویژه قشر محروم جامعه رفته و درباره اعتقاد، ایمان و مناسبت‌های دینی مردمی سخن می‌گوید که نذر سقاخانه کرده و در آنجا به عبادت می‌پردازند.

داستان از جایی شروع می‌شود که در یکی از محله‌های قدیمی طهران و دو قهرمان کشتی به نام طاهر و فری زندگی می‌کنند که فری به علت مصدومیت به قهرمانی نمی‌رسد و

تسلط رادی بر زبان و ادبیات این گروه‌های اجتماعی تحسین برانگیز است و ما را به جایی می‌برد که برای حفظ این میراث خرده فرهنگی جدی‌تر عمل کنیم



مخاطب متوجه گره اصلی قصه نشود و همین باعث شود دیالوگ ها نامفهوم باشند، پس باید کمی صبور باشید. اما بعد از شکل گرفتن داستان و فهم مخاطب دیالوگ ها جان تازه می گیرند و عبارات شیرین تر می شوند. نوشتن نمایشنامه ای که به اشتراکات زبانی گروه هایی خاص می پردازد کار چندان ساده ای نیست، برای نوشتن چنین نمایشنامه ای یا باید به اصطلاح فضلا، لمپن بود یا نمایشنامه نویس. شاید شنیدن دیالوگ های این نمایشنامه روی صحنه چندان گوش نواز نباشد اما تک تک واژگان آن برخاسته از خرده فرهنگ هایی است که نسل آن ها منقرض شده یا با اشکالی بس کج و معوج تر ادامه حیات می دهند. بی تردید، نوشتن نمایشنامه ای با این خصایص دینی، زبانی و تاریخی، کاری بس پیچیده و دشوار است و تفحص بسیار لازم دارد. اما شناخت و تسلط رادی از مقولات فوق باعث شده تا نمایشنامه «پایین، گذر سقاخانه» نه تنها قدرتمند برپاهای خود استوار بماند، بلکه منبعی برای رجوع به خرده فرهنگ های فراموش شده در کشور ما باشد. اگر شما طرفدار ادبیات عامه و خرده فرهنگ های آن هستید، این نمایش می تواند بهترین فرصت برای شما باشد.



تاریخ انتشار: شنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۴۰۱ * ۱۰:۱۸

«شاه مردنی، هیچ کجا» مهمان جدید تماشاخانه نوفل لوشاتو

میزان: نمایش «شاه مردنی، هیچ کجا» به کارگردانی محمد مروج شهریور سال جاری در تماشاخانه نوفل لوشاتو روی صحنه می‌رود. لوگو تایپ نمایش «شاه مردنی، هیچ کجا» به نویسندگی و کارگردانی محمد مروج که شهریور سال جاری روی صحنه می‌رود با طرحی از هومر استودیو منتشر شد. در خلاصه داستان «شاه مردنی، هیچ کجا» آمده است: «پسری در تیمارستان بستری و روند درمانش را طی می‌کند ولی او مطمئن است که دیوانه نیست، شک دارد که دیوانه نیست، ممکن است دیوانه باشد، او دیوانه است.» محمد مروج پیش از این نمایش «آقای اسمیت، آقای ایوانف و یک خانواده کم‌اهمیت آفریقایی» را در تالار حافظ روی صحنه برده است. «شاه مردنی، هیچ کجا» دومین تجربه این هنرمند در مقام نویسنده و کارگردان است که از شهریور سال جاری میزبان علاقه‌مندان در عمارت نوفل لوشاتو می‌شود.



نمایش «مانش» به کارگردانی کیومرث مرادی:

انسان در جایی که هست خوشحال نیست

ارغوان دهمقان

اثر توضیح میدهد، دغدغه اش بیان سختی های مهاجرت و مهاجران است و اینکه چرا انسان در جایی که هست خوشحال نیست. و می گوید دیالوگ محبوبم در این نمایش این جمله است که از زبان یکی از کاراکترها بیان می شود: «ترسناک است که آدم در کشور خودش به فکر نجات باشد» وی دغدغه اش را از ساختن این نمایش چنین بیان میکند: «واقعیت این است که امروزه با جهان ناآرامی در حوزه اقتصادی و سیاسی مواجه هستیم و آدمها در نقاط مختلف به دنبال جایی هستند که به آرامش برسند. این اثر اصلاً تئاتر تجاری نیست، و شبیه تئاترهایی که در کشور مد است نیست. این اثر سعی می کند با مخاطب خود داستان مستقلی را تعریف کند.»

نمایش «مانش» به کارگردانی کیومرث مرادی، با بازی بسیار متفاوت و قوی سام درخشانی، و بازی درخور ستایش از مهدی حسینی نیا و بازی خوب نازنین کریمی، بر اساس نمایشنامه «هالی کاله» نوشته پیام لاریان، هر شب در پردیس تئاتر شهرزاد ساعت ۲۱:۴۵ به روی صحنه است.

کرده، و مخاطب را همراه با بازیگر، غمگین، هیجان زده و حتی گاهی خشمگین میکند.

بازی بازیگران، از ابتدا تا انتها ریتم نمایش را بالا نگه داشته، مانند تئاتر فیزیکی، زبان بدن بازیگران، خود به تنهایی نمایشگر روایت داستان بود. و هر سه به قدری در این مورد موفق بوده اند که بیننده حس می کند، که شخصیت های پیش روی او، واقعا درگیر چالش های بیان شده است.

ولی با وجود ضرباهنگ بالای نمایش، حس ملال و غم، از آغاز تا انتها در آن جاریست. نقطه عطف نمایش را میتوان لحظه ای دانست که نقش دختر داستان (مهاجر افغان) خود را به درون کانال می اندازد و آنچه ماجرا را در آن لحظه دراماتیک میکند، کسی به نجاتش میرود که به ظاهر نقش منفی داستان است، و نقش عاشق داستان (مهاجر اوگاندایی) تنها به تماشای آنچه اتفاق می افتد، ایستاده است. این صحنه چنان تاثیرگذار طراحی و بازی شد که کاملاً مخاطب را تحت تاثیر قرار می دهد.

نمایش مانش، تئاتری تجاری نیست، و چنانچه کارگردان

نمایش مانش، یک تریلوژی درام درباره سه مهاجر و پناهنده است که هر کدام روایت های جداگانه ای از حضور خود در کنار کانال مانش را دارند، اما در نقطه ای بهم پیوند خورده اند.

نمایش سوار بر بستر نور پیش می رود، و فضا سازی با نور و موزیک چنان قوی و فوق العاده است که بدون اکسسوار زیادی روی صحنه، تنها با دو عنصر نور و آهنگ، فضای نمایش را به خوبی در ذهن تماشاگر تداعی میکند.

ضرباهنگ در ریتم، که حاصل سکوت ها، آهنگ، دیالوگها و حتی فریادهاست، و همینطور فراز و فرودهای نمایش، ریتمی به وجود آورده که مخاطب را از ابتدا تا انتها در هیجانی توانمند با ترس نگه میدارد.

نورها بر روی صحنه عاملی مهم برای برقراری ارتباط با تماشاگر هستند، و جدای از تصویر و زیبایی بصری که بر روی صحنه خلق شده، تاثیر دیالوگ بازیگران را دوچندان



تئاترهای پیشکسوت صاحب موزه می شوند؟



کانت مدیرکل هنرهای نمایشی پس از دیدار با خسرو بامداد از برنامه ریزی برای ایجاد موزه مخصوص آثار هنرمندان پیشکسوت خبر داد. به گزارش کائنات به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، در دومین برنامه دیدار با پیشکسوتان و استادان عرصه تئاتر، کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی به همراه رضا بصیرت مدیر انجمن هنرهای نمایشی ایران، عصر روز گذشته با حضور در منزل خسرو بامداد محقق، مدرس، نویسنده و کارگردان تئاتر از این هنرمند پیشکسوت دیدار کردند. بخش ابتدایی این دیدار با بیان خاطرات و اشاره به موفقیت دانشجویان این هنرمند در عرصه های مختلف هنری سپری شد.

در ادامه، خسرو بامداد که این روزها به دلیل شرایط کرونا و کسالت، در خانه به سر می برد ضمن ابراز خشنودی از دیدار کاظم نظری در وهله نخست به عنوان یکی از دانشجویانش که همیشه جویای احوال او بوده است و در وهله دوم به عنوان مدیرکل هنرهای نمایشی، خواستار تداوم و حفظ برنامه دیدار با هنرمندان پیشکسوت شد.

آماده سازی مقدمات چاپ نمایشنامه های این هنرمند پیشکسوت توسط دفتر پژوهش و انتشارات اداره کل هنرهای نمایشی، برنامه ریزی برای راه اندازی موزه های از آثار هنرمندان پیشکسوت که شامل آثار، جوایز و موفقیت های این هنرمندان و به صورت خاص کمک به جمع آوری و تخصیص مکانی برای ارایه مجموعه کتاب های اهدایی خسرو بامداد با نام خود این هنرمند برای بهره دانشجویان و علاقه مندان به هنر نمایش و پیگیری عضویت او در موسسه هنرمندان پیشکسوت سه موضوع اصلی این دیدار به شمار می رود.

برنامه دیدار با پیشکسوتان و استادان هنر با توجه به رویکرد دولت جدید و تاکید محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایشی مبنی بر توجه و تکریم هنرمندان پیشکسوت به عنوان ثروت و سرمایه اصلی ما در جهت تحقق عدالت فرهنگی و لزوم استفاده از نظرات این عزیزان در حوزه سیاست گذاری عرصه فرهنگی به صورت هفتگی و مستمر انجام خواهد شد. این برنامه با هدف تکریم مقام استادان هنر، مشورت و استفاده از نقطه نظرات آنها به منظور بهره برداری در سیاست گذاری و برنامه ریزی های تئاتر کشور و توجه بیش از پیش به مطالبات و خواسته های آنها و فراهم کردن تسهیلات لازم به منظور فعالیت پیشکسوتان در عرصه تئاتر به صورت مستمر است که از هفته گذشته با دیدار از اکبر زنجانیور هنرمند پیشکسوت تئاتر آغاز شد.